بسیاری از کشورها از طریق قوانینی که اصطلاحا مربوط به "سوت زنان مسئله فساد" است، در این راستا اقدام کرده اند. یعنی کسانی که هر جا فسادی را می بینند، آن را گزارش می کنند به شرط این که قانون از آن ها در جهت محرمانه ماندن هویتشان حمایت کند و اگر محرمانه نماند، قانون موظف است حمایت های ویژه ای حتی در جهت حفظ پست سازمانی و اداری و... انجام بدهد.

پاداش تا ۱۰۰ میلیون دلاری برای «سوت زنان فساد»!

در گفت و گو با دکتر خاندوزی، مدیر کل اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس بررسی شد

سرنوشت تلخ قوانین ضد فساد

حسین بردبار - نظام قانون گذاری کشور پر است از قوانینی که به دلایل مختلف به خوبی اجرا نشده یا مشکلاتی در اجرا دارد، اما این که علت این مسئله به چه موضوعی برمی گردد و اساسا به چه دلیل، قوانین در کشورهای پیشرفته به درستی و با نظام مندی خوبی اجرایی می شود اما در ایران در موارد متعددی دچار مشکل است، بحثی است که دکتر سید احسان خاندوزی، مدیر کل اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی از زاویه ای خاص به ریشه یابی آن می پردازد. وی با حضور در دفتر روزنامه خراسان در تهران در نشستی به صورت ارتباط مستقیم و ویدئو کنفرانس با اعضای گروه اقتصاد و دفتر پژوهش روزنامه در مشهد، ابعاد مختلف این موضوع را در ارتباط با اصلاح نظام بوروکراسی کشور موشکافی می کند و می گوید: یکی از اضلاع مفقوده به مسئله بوروکراسی یا دیوان سالاری و نظام اداری و مدیریتی... برمی گردد. ۱۵۰ سال از تاریخ علم اقتصاد که گذشت تازه گروهی از اقتصاددانان به این مسئله توجه کردند که ما نمی توانیم بوروکراسی و مسائل اداری کشور را به مثابه یک امر خنثی و بی طرف و صرفا مطیع و فرمانبر دستورات بخش سیاست گذاری قرار بدهیم؛ به عقیده دکتر خاندوزی این تلقی خیلی ساده انگارانه ای است که گمان کنیم بوروکراسی اداری که برای حکمرانی کشور به کار می رود با الگوی فرمانبری نظامی مشابهت دارد و به محض تصویب یک قاعده، از فردای آن تمام دستگاه های اداری و بانکی و مالی و اجرایی شروع می کنند در همان جهت کار کردن یا اگر تغییر کرد مثل موجودات خنثی آن را عملی می کنند. به گفته دکتر خاندوزی در حوزه اداره امور کشور هیچ گاه مردم به مفهوم جمع آن وارد نشدند، در حالی که بسیاری از کشورها از طریق قوانینی که اصطلاحا مربوط به "سوت زنان مسئله فساد" است، در این جهت اقدام کرده اند. یعنی کسانی که هر جا فسادی را می بینند، آن را گزارش می کنند به شرط این که قانون از آن ها در جهت محرمانه ماندن هویتشان حمایت کند. توضیحات بیشتر را از بیان وی می خوانیم

یکی از اضلاع مفقوده مبارزه با فساد اقتصادی برمی گردد به مسئله بوروکراسی یا دیوان سالاری و نظام اداری و مدیریتی؛ مسئله این است که در کشورهای مختلف حتی در بسیاری از کشورهای غربی، تا چند دهه پیش بوروکراسی به عنوان مسئله ای که خودش فی نفسه نقش آفرین است؛ مورد توجه خاص قرار نمی گرفت و بیشتر یک مسئله ثانوی و حاشیه ای مدنظر بود، به ویژه از منظر اقتصادی؛ در ایام انتخابات عمده بحث ها در مورد هدفگذاری های دولت آینده در بخش اقتصادی مطرح بود مانند میزان تورم در برنامه ششم، احکام قانونی در حوزه صنعت، معدن و بانک، بیمه و... عمده بحث ها ناظر به یک سیاست اقتصادی مشخص است ولی این که نظام بوروکراسی کشور خودش باید به عنوان موضوع اصلی سیاست گذاری قرار گیرد، چندان به رسمیت شناخته نشده است. این خود آگاهی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و به طور وسیع تر در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی در ادبیات نظریه پردازان اقتصادی آن روز خودش را نشان داد، یعنی ۱۵۰ سال که از تاریخ علم اقتصاد می گذشت تازه گروهی از اقتصاددانان به این مسئله توجه کردند که ما نمی توانیم بوروکراسی و مسائل اداری کشور را به مثابه یک امر خنثی و بی طرف و صرفا مطیع و فرمانبر دستورات بخش سیاست گذاری قرار بدهیم؛ به عقیده دکتر خاندوزی این تلقی خیلی ساده انگارانه ای است که گمان کنیم بوروکراسی اداری که برای حکمرانی کشور به کار می رود با الگوی فرمانبری نظامی مشابهت دارد و به محض تصویب یک قاعده، از فردای آن تمام دستگاه های اداری و بانکی و مالی و اجرایی شروع می کنند در همان جهت کار کردن یا اگر تغییر کرد مثل موجودات خنثی آن را عملی می کنند. به گفته دکتر خاندوزی در حوزه اداره امور کشور هیچ گاه مردم به مفهوم جمع آن وارد نشدند، در حالی که بسیاری از کشورها از طریق قوانینی که اصطلاحا مربوط به "سوت زنان مسئله فساد" است، در این جهت اقدام کرده اند. یعنی کسانی که هر جا فسادی را می بینند، آن را گزارش می کنند به شرط این که قانون از آن ها در جهت محرمانه ماندن هویتشان حمایت کند. توضیحات بیشتر را از بیان وی می خوانیم

■ **بوروکراسی نارسانا و توقف بخشنامه ها و قوانین**

مهم ترین مرحله ای که پس از تصویب و ابلاغ قوانین رخ می دهد، عبور آن قانون یا سیاست اقتصادی یا اجتماعی از کانال بوروکراسی است تا به هدف خودش برسد به عبارتی اگر مایک هرمی را در نظام سیاست گذاری کشور ترسیم کنیم که در راس آن هرم، سیاست های کلی کشور ابلاغی توسط رهبری باشد، در رتبه پایین تر نیز باز هم سیاست گذاری است که توسط دولت و مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی و بانک مرکزی و سایر دستگاه ها در ذیل سیاست های کلان انجام می شود؛ مرحله بعد برمی گردد به نظام بوروکراسی کشور، کف و قاعده این هرم عبارت است از فعالان اقتصادی و اجتماعی که ما توقع داریم آن قانون و مصوبه دولت یا بخشنامه بانک مرکزی در نهایت به فعالان اقتصادی اصابت کند. در مقاله ای با عنوان بوروکراسی نارسانا یا عایق آورده ام که چگونه بی توجهی سیاست گذار به اصلاح نظام بوروکراتیک، منجر می شود به این که اساسا اهداف سیاست گذاران عالی کشور هیچ وقت به مرحله اصابت نرسد.

■ **تفاوت بوروکراسی اداری با الگوی فرمانبری نظامی**

بخشی از فساد ها در مرحله تدوین قانون و مقررات شکل می گیرد این دسته از رانت ها موضوع بحث ما نیست اما جداگانه جای بحث دارد. بخشی از مقررات که سعی کرده است هدفی درست را با ابزارها و مشوق هایا ممنوعیت ها و جواز های درستی پیش ببرد؛ بعد از مرحله ابلاغ و تصویب قانون، تلقی سیاست گذاران از مجمع تشخیص مصلحت تا رده های پایین تر این است که گویا سیاست های اقتصادی همانند ابلاغ های نظامی به سرانجام می رسد، زیرا در یک ابلاغ نظامی خیال فرمانده راحت است که اگر تصمیمی را ابلاغ کند، صد در صد توسط پایین دست محقق خواهد شد ولی این تلقی خیلی ساده انگارانه ای است که گمان کنیم بوروکراسی اداری که برای حکمرانی کشور به کار می رود، به الگوی فرمانبری نظامی مشابهت دارد و به محض تصویب یک قاعده، از فردای آن تمام دستگاه های اداری و بانکی و مالی و اجرایی شروع می کنند در همان جهت کار کردن یا اگر تغییر کرد مثل موجودات خنثی آن را عملی می کنند. تمام این صحبت ها و بحث ها با فرضی ساده انگارانه انجام می شود که گویا مشکل کشور، تصمیم گیری بین سیاست «الف» یا «ب» است، در حالی که اگر ما به این مسئله برسیم که خود نظام بوروکراسی کشور می تواند موضوع قانونگذاری و سیاست گذاری قرار گیرد، یعنی خودش نیاز مند مجموعه ای از اصلاحات است، باید از طریق مکانیزم هایی مثل پاداش و جزا یا مکانیزم های ارتقا، پاسخگویی، شفافیت و افزایش هزینه تخلفات در نظام اداری اقدام کنیم.

■ **منافع متضاد در اصلاح ساختار اقتصادی**

هر قانون و مصوبه ای که برای اقتصاد طراحی می شود باید ناظر بر این باشد که چگونه نسبت به ضمانت اجرا و همراستایی منافع در آن فکر می شود؛ همراستایی منافع به این معناست که به عنوان مثال، منافع اقتصادی کشور در آن است که ولو ۳ یا ۵ سال درآمد مالیاتی کمتری از شرکت های دانش بنیان بگیریم اما در کل موجب تحولی در ساختار اقتصادی کشور می شود که به این چند سال، کم شدن درآمد مالیاتی می صرفد؛ اما منافع خود کارگزار در یک سمت دیگر است و فلش های واگرایی هستند که دارند عمل می کنند؛ منافع رئیس سازمان امور مالیاتی آن است که نشان دهد می توانم مالیات بیشتری وصول کنم؛ منافع ممیزی که ذیل این رئیس مشغول کار است آن است که بتواند همچنان ارتباطات چهره به چهره ای با فعالان اقتصادی داشته و قدرت اعمال مسائلی را داشته باشد که از آن خلال بتواند یک تخفیف مالیاتی به فلان مودی مالیاتی بدهد و در عوض این تخفیف؛ شخص خودش از طریق رشوه یا هر راهکار دیگری یک بهره مندی پیدا کند؛ در حوزه کالاهای اساسی مثل غذا و دارو منافع ملی فلشی را نشان می دهد اما منافع بوروکرات هایی که داخل وزارت صنعت قرار دارند و منافع کسانی که در کمیسیون ماده یک تعرفه گذاری انجام می دهند و سایر بازیگران، همراستا با منافع ملی نیست.

■ **ملاحظه مهم قبل از تصویب قوانین**

پیشنهاد می شود برای آن که در این بخش فساد های بوروکراسی به میزان حداقل کاهش پیدا کند، در هر قانون و مقرراتی، تکلیفی بر دستگاه اجرایی قرار دهند؛ مثلا قبل از بستن قانون؛ به قانونگذار بگوییم یک لحظه صبر کن، آیا فکر می کنی که نظام ارزشی بوروکرات ها همراستا با این قانونی که داری وضع می کنی است یا خیر؛ اگر این گونه نیست باید در داخل این قانون یا در کنار آن ملاحظاتی را اضافه کنیم تا منافع آن ها را هم جهت کند مثلا نباید منافع کسانی که دارند مجوز های واردات را صادر می کنند در آن باشد که هر چه مجوز بیشتری را غیر شفاف صادر کنند، می توانند رانت های بیشتری را به دست بیاورند، بر مبنای انسان های متقی دارای مهار نفس نباید قانون نوشت بلکه باید فرض قانونگذار آن باشد که با طبقه ای از متوسط انسان های دین دار مواجهیم که اگر زمینه ها و بستر منافعش را همراستا نکنیم، کاملا می تواند در معرض وسواسی قرار گیرد که در جهت مخالف حرکت می کند؛ به قول سعدی "بگفت آنجا پریرویان نغزند؛ چو گِل بسیار شد پیلان بلغزند" به هر حال اگر بستر منافع را درست تنظیم نکنید، هر چقدر هم که انسان شخصیت بزرگ و منیعی داشته باشد، ممکن است در بستر منافع متعارض دچار لغزش شود، مثلا باید ما بتوانیم درصدی از منافع بوروکرات ها را اگره بزنیم به جهتی که اقتصاد مقاومتی می خواهد پیش برود، الان فکر می کنید بزرگوارانی که در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز فعالیت می کنند، آیا منافعشان به لحاظ یک کارمند بوروکراسی در آن است که قاچاق کالا در کشور صفر شود، خوب وقتی درصدی از حق الکشف کالا را به عنوان جایزه کسی که در مراحل قاچاق کالا دارد عمل می کند، در نظر می گیریم، معنایش آن است که صفر شدن قاچاق به معنی صفر شدن آن حق الکشف و صفر شدن دکان ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز است، ما این ظرایف همراستاسازی منافع بوروکرات ها با منافع قوانین و مقررات خودمان را لحاظ نکرده ایم، بنابراین سال هاست که داریم آسیب می بینیم و چیز هایی را از بالا ابلاغ می کنیم که چند سال بعد که ثمرات آن را بررسی می کنیم، می بینیم که هیچ اتفاقی نیفتاده است.

■ **مقامات حداکثر کننده بودجه و حداکثر کننده رای**

ما اولین اقتصادی نیستیم که مبتلا به چنین مشکلی هستیم؛ قریب به ۶۰ سال قبل، این مشکل آن قدر از حوزه های اجرایی به حوزه پایین دستی سرریز کرد که قانون گذاران وارد ادبیات نظری شدند و رفتند به سراغ این که باید در مورد بوروکرات های حداکثر کننده بودجه یا بوروکرات های حداکثر کننده رای فکری شود یعنی مقامات اجرایی کشور به دنبال آن هستند که یا منابع جذب و هزینه کنند یا رای خودشان را اگر جزو مقامات انتخابی باشند، در دوره بعد حداکثر کنند، در این خصوص تجارب زیادی داریم که اگر سعی می کردیم از آن ها استفاده کنیم، اصلا شرایط الان قابل مقایسه نبود. یکی از راهکارها آن است که ما بتوانیم هزینه های اجرا کردن قانون و تخلف در مسیر قانون را آن قدر بالا ببریم که هر چقدر منافع مادی و فردی آن بوروکرات متصور است این هزینه بر آن بچربد، مثلا اگر ما تمام نظام مجوزدهی کشور را طی یک مکانیزم، کاملا برخط (آنلاین) می کردیم به طوری که هر کسی مجوز واردات هر کالایی را که نیاز دارد صرفا از طریق یک سامانه برخط که قابلیت مشاهده عمومی دارد انجام دهد؛ ثمره اش این می شد که هزینه تخلف یا رانت یا فساد محصولی که می خواهد موافقت یا مخالفت با وارداتش شود، آن قدر به لحاظ اجتماعی بالا بود که برای یک بوروکرات صرف نمی کرد مثلا در قبال دریافت ۵ درصد از واردات فلان خودرو، کل موقعیت اجتماعی و اداری خودش را از دست بدهد.

■ **پاداش ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون دلاری برای سوت زنان فساد**

یا می توانستیم از مکانیزم های جمع سپاری استفاده کنیم که در سال های اول انقلاب، مکانیزم زنده ای بود و کار را هدایت می کردیم در جهاد سازندگی، سواد آموزی و... ولی در حوزه اداره امور کشور هیچ گاه مردم به مفهوم جمع آن وارد نشدند، در حالی که بسیاری از کشورها از طریق قوانینی که اصطلاحا مربوط به "سوت زنان مسئله فساد" است، در این راستا اقدام کرده اند. یعنی کسانی که هر جا فسادی را می بینند، آن را گزارش می کنند به شرط این که قانون از آن ها در جهت محرمانه ماندن هویتشان حمایت کند و اگر محرمانه نماند، قانون موظف است حمایت های ویژه ای حتی در جهت حفظ پست سازمانی و اداری و... انجام بدهد، به علاوه درصدی از جریمه ای که از آن فساد وصول می شود به آن بخش از بدنه مردمی که فساد را افشا کرده است، تخصیص می یابد و مجموعه ای از راهکارهایی را به کار می بندند که آن قدر هزینه فساد را بالا می برد که افراد ترجیح می دهند این کار را انجام ندهند به عنوان مثال فردی در یک تیم سوء استفاده اینترنتی مالیاتی شریک بوده است ولی آن قدر قانون منافعی را برای افشاکنندگان این مسئله اختصاص داده که فرد ترجیح داده است از داخل خودتیم، آن را به دولت اعلام کند؛ در کشوری مثل آمریکا درصد بهره مندی فرد از اعلان این تخلف ۳۰ تا ۳۵ درصد از کل جریمه است؛ یعنی دولت به خاطر حضور در این تیم فساد مالیاتی فرد را به ۵ سال زندان محکوم کرده اما برای آن که اطلاعات مربوط به فساد را افشا کرده است، گاهی ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار به فردی که خودش او را زندانی کرده است، پاداش می دهد.

■ **پیشنهاد تغییر نحوه فعالیت مجلس؛ جلسات نظارتی از جلسات تصویب قانون بیشتر شود**

پیشنهاد مهمی در ابتدای مجلس دهم مطرح شد، در گزارشی تحت عنوان الزامات سیاستی، گزارش شماره ۳ اقتصاد مقاومتی مرکز پژوهش های مجلس که در خرداد سال ۹۳ منتشر شد و آنجا این مسئله را کلید زدیم که اگر بخواهیم قوانین و مقررات به ثمر برسد و بهره ای که در نهایت یک فعال اقتصادی یا اجتماعی می خواهد ببرد، محقق شود، لازم است که مجلس در کشور نقش خودش را تغییر دهد و از عادت قانونگذاری صرف، در جایگاه نظارت بر قوانین کشور بنشیند یعنی به جای آن که در هفته سه جلسه علنی داشته باشیم که قانون روی قانون اضافه کنیم، مجلس در جلسات علنی خودش هر هفته یا دو هفته به نظارت بر یکی از قوانین کشور بپردازد و از قبل به هیئت وزیران اعلام کند تا دستگاه مربوطه گزارش عملکرد خودش را بیاورد و ساعت ها در مجلس بحث کنند که چرا این قانون به نتیجه رسید، کارآمد بود یا نبود، دستگاه اجرایی چه کرد یا اصلا مشکل برون زاست، بودجه نرسیده، تحریم بوده یا... و بدانیم که مشکل از چه ناحیه ای است و شاید هر ۳ ماه یا ۶ ماه نیاز داشته باشیم که مجلس کشور، یکی دو جلسه قانون گذاری هم داشته باشد.

جدول متوسط [شماره ۶۸۴۲]

طراح جدول: امید موسوی

افقی

۱- ناگزیر - آنتی بیوتیک معروف - از سازهای زهی ۲- یواش - شهری در کرمانشاه - مرطوب - مرکز مازندران ۳- باب روز - بوستان - اندازه - گیاه - بینش ۴- عدد مخصوص - باقی مانده - فرق سر - فریاد شادی - ویتامین انعقاد خون ۵- متانت - هر سال - قانون مغولی ۶- توقف کردن - روزگار - درس نخوانده - هلاک ۷- انبان - کیل - صمغ ۸- حرف تنفر - خلق وخو - عداوت - اگر حروفش مرتب شود گله مند است - وحشی ۹- رفوزه - خواب کودکانه - جدید - وسیله بازی - تصدیق روسی ۱۰- نوعی خودرو - تصاحب - گریزان - نگهبان ۱۱- سنگ نبشته - بیماری تنفسی - ترازنامه

عمودی

۱- گشاده - اکسیر - دفاع فوتبالی ۲- خاکستری - رودی در کشور همسایه ۳- عدل - محله ای در پایتخت - فارسی قدیم ۴- مادر - پاک شمردن - تیر پیکان دار ۵- ظرفیت ۶- قصه گو - شهری در افغانستان ۷- سیب زمینی پخته و نرم شده - شاگردی ۸- ملح - غذای مریض - مگر ۹- حرف انتخاب - ظلمانی - بالاپوش ۱۰- با نشاط - سلاح کاشتنی ۱۱- زنگ - پشه ناقل مالاریا ۱۲- هرگز نه - کهنه و فرسوده - تکرار حرف ۱۳- خجستگی - جملگی - نظر ۱۴- دفعه - کارآمد و موثر ۱۵- گوینده - رشته کوهی در آمریکای شمالی ۱۶- عبور کالا از کشوری به کشور دیگر بدون پرداخت حق گمرک ۱۷- تصدیق خارجی - راحتی - زنده ۱۸- ساز تیره - پسر - عقاب سیاه ۱۹- شهر صنعتی - ثروتمند ۲۰- چهارمن تبریز - یاری - عمر

حل جدول شماره ۶۸۴۱

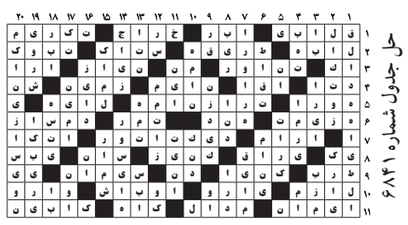

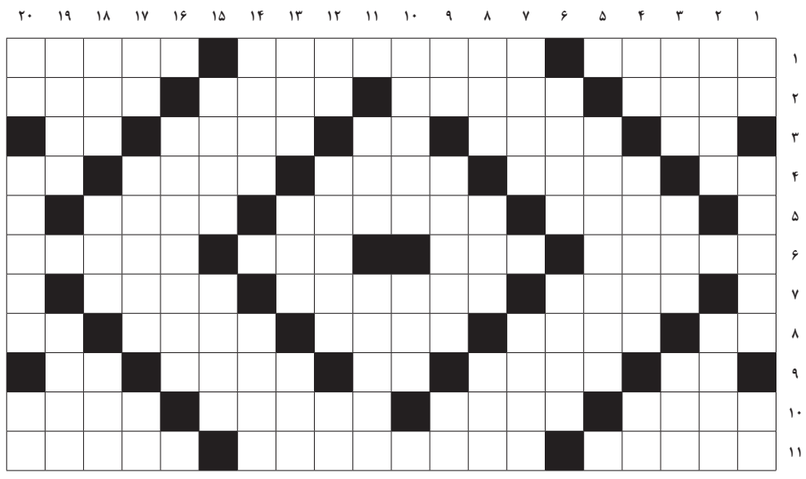

جدول سخت [شماره ۷۵]

طراح جدول: بیژن گورانی

افقی

۱- کتف - مغفور مرحوم - کسب درآمد برای گذران زندگی ۲- بزرگترین خطاط نستعلیق دوره صفوی - لقب تبهکاران ژاپنی - ساز بادی بلوچستان ۳- دلسوزی - از ایزوتوپ های هیدروژن - بادیو سفید جنگید - ریشه ۴- مادر - راه یافتن - پسر حضرت اسحاق (ع) - فرو رفتن خورشید در افق ۵- اراذل و اوباش - رنگ انرژی زا - زبانه آتش - ماه شاعرانه ۶- شهری در فرانسه - کشوری در همسایگی مجارستان - دیوار نازک ۷- صدای کلفت - تغار چوبی - نمک نشناس - همیشگی ۸- همراه عروس - مرکز استان الانبار در عراق - فراهم آوردن - صوت اندوه و افسوس ۹- قسمت مهم - زشت رو - شهری دیگر در فرانسه - از صور فلکی نیمکره جنوبی آسمان ۱۰- پنداشت - رختکن حمام های قدیم - لایه میانی قلب ۱۱- اثری نوشته هربرت جرج ولز انگلیسی - پایانی - ضمیر غائب.

عمودی

۱- منحنی - از آثار اکتاویو پاز، نویسنده مکزیکی ۲- قلعه خشتی ورامین - شکسته ۳- بخشاینده - سقف بزرگ به شکل نیمکره ۴- عمومی تر - پایتخت مالدیو - زیبایی قابل درک اما توصیف ناپذیر ۵- تکرار یک حرف - بازی قهوه خانه ای قدیم - بلندترین قله زاگرس ۶- فایده - آماسیدگی ۷- برطرف کردن زنگ از فلز - مأمور پلیس ۸- آماده و مهیا - دستوری ۹- صومعه - شیوه انجام کار - پیشوند سلب ۱۰- خطاب غیر مودبانه - دارای جنبه تظاهر ۱۱- شهری کوچک در بخش مرکزی اراک - ضمیر متکلم وحده ۱۲- داخل - چشم سوم - گرو گذاشتن ۱۳- نیلگون - ایالتی در آمریکا ۱۴- غیر خدا - هدایت کننده ۱۵- رایانه لوحه ای - دست محبت بر سر او بکشید ۱۶- پشیمانی - عقیده - حرف پیروزی ۱۷- مکمل زیبایی رو - بانگ و فریاد - شبه جزیره ای در جنوب هند ۱۸- در قدیم می سوزاندند تا محیط خوشبو شود - جوهر و اصل هر چیز ۱۹- امروز عرب - پشت سر ۲۰- سراینده مثنوی نان و حلوا - ورزش پایه.
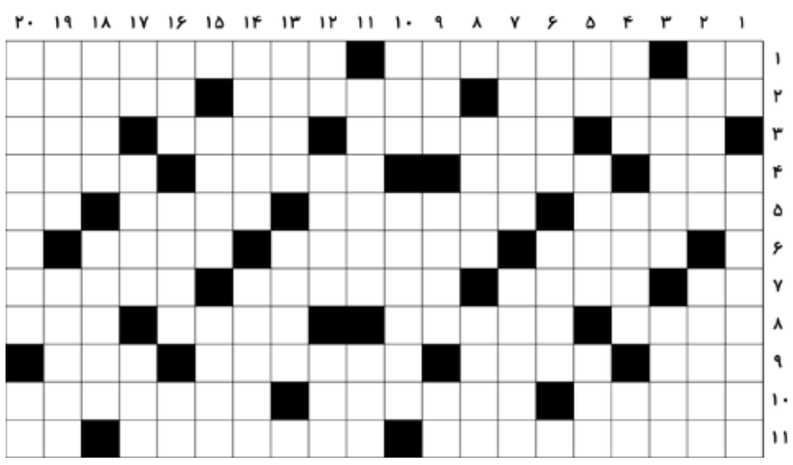
حل جدول شماره ۷۴